

قرار بازداشت موقت با نگاهی به اسناد بین المللی

حوریه اصغری

گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

بازداشت موقت متهم که از آن در حقوق کیفری ایران به توقیف احتیاطی نیز تعبیر شده است عبارت است از سلب آزادی از متهم و زندانی کردن او در طول تمام یا قسمتی از تحقیقات مقدماتی توسط مقام صالح قضایی. این سلب آزادی از متهم ممکن است در طول جلسات رسیدگی دادگاه و تا صدور حکم قطعی نیز ادامه یابد این نهاد کیفری که در نظام کامن لا از آن به «بازداشت پیش از محاکمه» تعبیر می شود تدبیری است که اگر چه معارض با آزادی های فردی است حامی جامعه نیز می باشد چنین تعارض ضمنی، صیانت نسبت به این تدبیر کیفری را به وضوح نمایان ساخته و شناسای دقیق ضوابط و موازین ناظر بر آن را بسیار ضروری می سازد از این رو مقررات ناظر بر این نهاد کیفری در هر کشوری آئینه تمام نمای میزان موفقیت دولت ها در فائق آمدن بر این تعارض به شمار می آید عدم هر گونه محدودیت نسبت به آزادی فردی متهم ضرورت حفظ نظم عمومی، رعایت حقوق بزه دیدگان و در مواردی متناسب با متهم و سایرین، گزاره های عقلانی هموار (آزادی و امنیت) است که سرانجام با تفویض (امنیت) بر آزادی و تضمین آزادی از رهگذر این امنیت موجب پذیرش پاره ای محدودیت بر این حق ذاتی بشری می شود چندان که تجویز بازداشت موقت نیز از همین محل توجیه پذیر می گردد. زمانی که اتهامی علیه شخص مطرح می گردد، اخذ تامین از متهم نه تنها لازم است بلکه قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام اقدام به صدور قرار تامین کیفری مقتضی نماید و فقط چنان که تشخیص دهد اتهامی متوجه متهم نیست در آن صورت نیازی به اخذ تامین در حال و آینده وجود ندارد. لذا در صورت انکار متهم نیز قاضی مکلف به صدور قرار تامین مناسب تا رسیدگی به دلایل ارائه شده از ناحیه وی از جمله اظهار نظر کارشناس می باشد و در صورت احراز عدم توجه اتهام به متهم یا عدم وجود دلیل کافی بر انتساب بزه به وی پرونده در هر مرحله ای که باشد قاضی رسیدگی کننده مکلف به آزادی متهم بدون اخذ تامین خواهد بود. اگر بتوان اقدام تامینی را ابزاری ضامن حفظ نظم عمومی و امنیت شهروندان در قبال متهم تلقی و وی را در مواردی بازداشت کرد. جز با دیدگاه امنیت محوری حقوق کیفری نمی توان چنین اقدامی را در پرتو اصلاح و درمان وی قلمداد نمود چرا که ویژه گی های جنایی شخص دارای حالت خطرناک از رهگذر بازداشت یا زندانی شدن کاهش نیافته و چه بسا به آن افزوده نیز شود چنین نگرشی نظام های عدالت کیفری را وا داشته است تا راه های دیگری را که فاقد پیامدهای جبران ناپذیر بازداشت موقت و زندان است و می تواند اصلاح و باز اجتماعی کردن متهم و جرم را به همراه آورد، یافته و آنها را اعمال نماید. از این رهگذر است که قرارهای جایگزین بازداشت موقت و کیفرهای جایگزین حبس یا کیفرها جایگزین کیفرهای سالب آزادی، وارد گردونه نظام عدالت کیفری شده است.

واژه های کلیدی: قرار بازداشت موقت، اسناد بین المللی

۱- مقدمه

مسئولیت در لغت به معنای موظف بودن به انجام امور است و در بُعد کیفری به معنای ملزم بودن مجرم به تحمل آثار و نتایج حاصل از جرم تفسیر می‌گردد؛ به عبارتی دیگر هر کس مرتکب جرم شود، در برابر بزه دیده و جامعه مسئول شناخته خواهد شد. دانشمندان حقوق جزای عرفی جرم را به فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌کنند که از شخصی مسؤول سرزده و در قانونگذار یکی از موضوعات بسیار مهم در بحث آیین دادرسی کیفری اخذ تأمین است. این موضوع در عمل نیز اهمیت زیادی دارد و نبود دقت و تناسب در اخذ تأمین کیفری همواره مقام قضایی را با مشکلاتی روبه‌رو می‌کند. این موضوع پس از پایان بازجویی و انجام تحقیقات مقدماتی مطرح می‌گردد. قرار بازداشت موقت قرار تأمینی است که بر اساس آن متهم در تمام یا در بخشی از دوران تحقیقات مقدماتی یا دادرسی باید زندانی شود. این قرار شدیدترین نوع قرارهای تأمین کیفری است. از آنجا که قرار بازداشت موقت با اصل برائت و آزادی رفت و آمد افراد مغایر است و نتایج زیان‌بار آن غیر قابل جبران می‌باشد، قانونگذاران درباره مشروعیت به کارگیری آن تردید داشته و سعی کرده‌اند آن را از اختیار قاضی خارج کنند و تحت قاعده و قانون در آورند تا دادرسان نتوانند به اراده و دلخواه خود افراد را بازداشت کنند. بر خلاف سایر تأمین‌های کیفری که در اختیار قاضی است تا با احراز تناسب و بر اساس تشخیص خود قرار صادر کنند، موارد قرار بازداشت موقت به طور دقیق و حصری از سوی قانونگذار مشخص می‌شود و دادرس مجاز نیست در غیر موارد احصا شده در قانون قرار بازداشت موقت صادر کند. آزادی یکی از بارزترین حقوق طبیعی و اولیه انسانها است. حق بر آزادی به معنای عام آن یعنی بکارگیری استعدادها و توانایی‌های طبیعی به طور آزادانه بدون خدشه دار کردن حقوق و آزادیهای دیگران و در معنای خاص همان حق بر آزادی شخصی، یعنی حق بر آزادی جسمانی افراد به معنای دستگیری یا بازداشت قرار نگرفتن افراد و حق به امنیت به معنای حصول اطمینان خاطر نسبت به حفظ جان، حیثیت حقوق مادی و معنوی که جزیی از حقوق بنیادین بشر را تشکیل می‌دهد و آمیخته با جوهر مشترک کرامت انسانی است. این حقوق بنیادین به موجب اسناد حقوق بشری جهانی و منطقه‌ای مورد حمایت قرار گرفته است. ولی متأسفانه به رغم اهمیت و حساسیت این آزادی و حمایت‌های حقوقی و قانونی، مذهبی و اخلاقی همیشه مورد تعرض بوده است. در مرحله تحقیقات مقدماتی بازداشت موقت به لحاظ اینکه نقطه تلاقی حقوق و آزادیهای فردی متهم خصوصاً فرض بی‌گناهی او با صیانت از منابع جامعه و تأمین امنیت و آسایش عمومی محسوب می‌گردد، از جایگاه برجسته و حساسیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. هر بازداشتی به خودی خود نمی‌تواند منجر به نقض آزادی و امنیت افراد گردد. بلکه حتی در مواقعی بازداشت در راستای حمایت از چنین حقوقی اعمال می‌شود. بدون تردید آنچه آزادی و امنیت افراد را مورد تهدید قرار می‌دهد، بازداشت خودسرانه است که با اصول و مقررات حقوق بشری مغایرت دارد. امروزه یکی از اساسی‌ترین اصول پذیرفته شده اصل برائت است که با میرا دانستن انسان از ارتکاب بزه قبل از اثبات در محاکم صالح حافظ حیثیت انسان‌ها است و اهمیت این موضوع باعث شد اعلامیه‌هایی در سطح دنیا صادر شود. در اعلامیه حقوق بشر و شهروند حقوق فرانسو به حقوق متهمان و زندانیان توجه گردید و توسط اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی و سایر قواعد در این زمینه تشکیل شده است. در این اسناد توجه خاصی به لزوم تضمین حقوق مربوط در مرحله پیش از محاکمه مبذول شده است چرا که در این مرحله خصوصاً در سیستمهای دادرسی مختلط همچون سیستم حاکم بر کشور ما که تحقیقات مقدماتی به شیوه تفتیشی انجام می‌شود حقوق متهم بیشتر در معرض آسیب قرار می‌گیرد. در میثاق حقوق مدنی و سیاسی که یکی از مهم‌ترین سندهای بین‌المللی حقوق بشر می‌باشد، تضمیناتی همچون تفهیم اتهام، بهره‌مندی از معاضرت قضایی، استفاده از مترجم به طور رایگان برای کسانی که با زبان دادگاه آشنایی کافی ندارند حق مواجهه با شهود و سایر حقوق را برای متهمین محروم از آزادی در نظر گرفته شده است. در کشور ما هنوز بازداشت موقت در قالب سنتی دسترسی به متهم و سلامت تحقیق و دادرسی انجام می‌شود و تحولات بنیادین در انطباق با حقوق بشری به طور کامل انجام نشده است و دامنه انواع بازداشت اختیاری و اجباری گسترش پیدا کرده است. در این تحقیق با توجه به عواملی که منجر به بازداشت می‌شود و حقوقی که این افراد از آن برخوردارند را در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار داده و به بررسی مقررات آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری راجع به بازداشت موقت می‌پردازیم.

یکی از مهم ترین اصول حاکم بر حقوق جزا اصل برائت است. این اصل برائت که در اسناد بین المللی متعدد مورد توجه قرار گرفته است در اصل سی و هشت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به صراحت بیان شده است. اصل احترام آزادی فردی مقتضی آن است که هیچ چیز و هیچ کس به سلب یا تهدید آزادی شروع افراد مجاز نباشد مگر اینکه اثبات شود رفتار مجرمانه ای از شخص صادر شده است. با وجود اهتمام فراوانی که به اصل برائت شده است ممانعت از فرار و تبانی متهم و جلوگیری از تضييع حقوق بزه دیدگان و قربانیان جرم باعث شده است، اغلب قوانین آیین دادرسی کشورها درباره جرایم مهم قبل از اثبات جرم نیز اجازه دهند، آزادی متهم سلب شود و در نتیجه قرار بازداشت وی صادر شود.

روشن است بازداشت قبل از محاکمه از جهت اهمیت با زندانی کردن مجرمان به عنوان مجازات متفاوت نیست و به همان اندازه که زندانی کردن مجرم باعث سلب آزادی از وی می شود، بازداشت متهم نیز آزادی وی را تهدید می کند. جز اینکه توقیف در قسم اخیر از این بابت که ممکن است متهم هیچ گاه مرتکب جرم نشده باشد ذاتاً امری شوم و نامطلوب است. اختیارات قاضی در بازداشت موقت تا چه میزان است؟ آیا قرار بازداشت مفهوم مضیق دارد یا سایر قرارهای منجر به بازداشت را شامل می شود؟ چه راهکاری باید اندیشیده شود تا اختیارات قضات در بازداشت موقت محدود گردد؟

اهداف تحقیق:

- (۱) بررسی تطبیق حقوق افراد در بازداشت موقت در حقوق ایران و اسناد بین المللی.
- (۲) رفع ابهام و بررسی نواقص قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص بازداشت موقت.
- (۳) ارائه نتایج تحقیق در جهت تدوین و تصویب قوانین مربوط با نگاه به اصل آزادی و تعارض آن با بازداشت موقت

فرضیات تحقیق:

- (۱) بازداشت موقت یک استثناء است بر خلاف حقوق داخلی ایران.
 - (۲) به نظر می رسد حمایت از افراد در بازداشت موقت در حقوق داخلی با حقوق بین الملل منطبق نمی باشد.
- و با نگاهی به قوانین ایران به نظر می رسد جبران خسارت متهمین بی گناه که قبل از محاکمه بازداشت بوده اند، مناسب نمی باشد.

روش تحقیق

با استفاده از کتابخانه ای، منابع حقوقی داخلی، قانون اساسی و بررسی اصول عمده مربوط به تضمین حقوق متهم و قوانین عادی اعم از شکلی و ماهوی و بررسی اسناد بین المللی از قبیل اعلامیه جهانی حقوق بشر میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بررسی و اطلاعات بسیاری جمع آوری و تطبیق صورت گرفته است

گفتار اول: حفظ حقوق متهم از مهم ترین اهداف آیین دادرسی کیفری

از زمانی که بشرفهوم محاکمه کردن را فهمید و آن را به عنوان یک ارزش اجتماعی - اخلاقی پذیرفت به این حقیقت پی برد که اجرای هیچ کیفری نباید جز از طریق محاکم صالحه اعمال شود، همیشه آن را به دیده احترام نگریسته و هیچ وقت در مقام نسخ و یا کم رنگ کردن آن برنیامده است. به حکایت تاریخ، حدود نود و سه قرن که از تاریخ شناسایی لزوم محاکمات جزایی میگذرد، آنچه که محل اختلاف بوده تنها نحوه شکل گیری دادرسیهای جزایی است. متهم را چگونه باید محاکمه کرد و چه هدفهایی در دادرسیهای جزایی باید دنبال شود. در این رهگذر سه هدف مهم توجه قانونگذاران را جلب کرده است:

تامین منافع بزه دیدگان یا قربانیان جرم، تامین امنیت جامعه، تامین منافع متهم و حق دفاع او:

در ابتدای پیدایش دادرسیهای کیفری این فکرو وجود داشت که هدف اصلی و مهم از این محاکمات تامین منافع بزه دیده و رفع ظلم و ستم از اوست. به همین لحاظ هر جرمی با شکایت بزه دیده تعقیب می شد و با گذشت او نیز تعقیب موقوف می گردید. سیستم دادرسیهای اتهامی بر این اندیشه مبتنی بود. لیکن به تدریج کشورداران دریافتند که جامعه نیز حق حیات دارد.

بزهکاری منافع جامعه را به خطر می‌اندازد و امنیت را از بین می‌برد. پس باید جامعه را در برابر بزهکاران محافظت کرد. با ظهور این طرز تفکر حمایت از جامعه در برابر مجرمین رونق گرفت. در تمام دوران قرون وسطایی و در دادگاههای تفتیش عقاید، روش محاکماتی روش شناخته شده ای بود. این اندیشه با ظهور مکتبهای اجتماعی آزادیخواه و پیروزی انقلاب سیاسی- اجتماعی از بین رفت و یا رنگ خود را باخت، اما پس از مدتی باز هم در شوراهای استبدادی تدوین قوانین آیین دادرسی جزایی به ضرر متهم و به نفع جامعه آغاز شد. در حقیقت فرد فدای اجتماع گردید. در کشورهای استبدادی پلیس مخفی تشکیل دادند. صلاحیتها و اختیارات پلیس، سازمانهای امنیتی و دادستانها افزایش یافت. اعتراض به قرارهای کیفری از بین رفت. واخواهی از احکام غیابی، تجدید نظر خواهی و پژوهش خواهی به موارد خاصی اختصاص یافت و محدودتر شد. این روش قانونگذاری، در کشورهای آلمان نازیسم و ایتالیای فاشیست روسیه استالینی به وضوح دیده می‌شد و تا اواخر جنگ جهانی دوم به شدت ادامه داشت. دادگاههای اختصاصی توسعه فراوانی یافت. حق دفاع متهم محدودتر شد. وکیل مدافع در محاکمات جزایی به موارد خاص منحصر گردید. این طرز تفکر که از اوایل شروع قرن حاضر طرفدارانی پیدا کرده بود با پایان یافتن جنگ جهانی دوم از طرف آزادیخواهان محکوم شد. فکر آزادیخواهی و حمایت در برابر جامعه، اندیشمندان را برآن داشت تا قوانین کیفری را به نفع متهم صلاح کنند. درحقیقت دریافته اند که متهم طرف اصلی و مهم دادرسیهای جزایی است. تمام ماجراهای غم انگیز دادرسیهای جزایی به خاطر انسان نگون بختی است که متهم نامیده می‌شود و به حق یا ناحق مورد تعقیب قرار گرفته و آبرو، شرف، حیثیت، آزادی و حتی حیات او در معرض نابودی است. برای متهم باید حق آزادی کافی و متناسب شناخته شود. تمام امکانات در اختیار او قرار گیرد تا بتواند از خود دفاع کند. در اثر ظهور این نوع اندیشه ها موارد بازداشت احتیاطی کاهش یافت. اختیار توقیف افراد به وسیله پلیس خیلی محدودتر گردید. اعتراض به قرارهای کیفری مورد پذیرش قرار گرفت. اصل قابل اعتراض بودن کلیه احکام کیفری و اصول مربوط به اعاده دادرسی کیفری به وجود آمد. دیگر پلیس مجاز نشد به منازل مسکونی افراد قدم گذارد و به بهانه مشهود بودن جرم و یا دستگیری متهم به تفتیش و بازرسی بپردازد. جرایم امنیتی تعریف و توصیف گردید. به بهانه جرایم امنیتی سخت گیریهای بی مورد در مورد شهروندان از بین رفت. به عبارت دیگر این اندیشه های جدید بود که الهام بخش صادر کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و نویسندگان میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و اعلامیه اسلامی حقوق بشر (بیانیه قاهره) مصوب ۱۹۹۰ قرار گرفت (بهروز جوانمرد، ۱۳۷۳: ۲۹).

در این راستا منع تعقیب و توقیف خودسرانه و صدور قرار تأمین متناسب با اتهام و وضعیت متهم از جمله مهم ترین اصول در حقوق ملی و بین المللی مربوط به تأمین منافع و حفظ حقوق متهم است.

منع تعقیب و توقیف خودسرانه؛ پس به همان اندازه که دولتها متعهد به احترام به حقوق و آزادیهای افرادند، مبارزه با مجرمان برای حفظ نظم جامعه نیز از اهم تکالیف حکومتی به شمار می‌رود. اما در تلفیق بین حرمت اشخاص و نظم جامعه باید توجه داشت که آزادی به عنوان حق طبیعی رایج و متداول است و تعرض به نظم جامعه امری استثنایی به شمار می‌رود که در این صورت تعقیب و دستگیری افراد متعرض باید منطقی، توجیه پذیر و براساس ضوابط قانونی باشد (هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۸). مطابق با صدر اصل سی و دوم قانون اساسی «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند». شخص توقیف شده با استناد به مواد ۵۷۲ تا ۵۷۵ ق.م.ا.ک [۱] که ضمانت اجرای کیفری توقیف غیرقانونی افراد توسط ضابطان دادگستری یا مأموران نیروی انتظامی و فرد ممتنع از رسانیدن تظلمات فرد توقیف شده به مقامات ذی صلاح می‌باشد، حق شکایت علیه فرد خاطی را دارد.

صدور قرار تأمین متناسب با اتهام و وضعیت متهم؛ از جمله مهمترین اقدامات مقام قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی صدور قرار تأمین می‌باشد که در ق.آ. د. د. ع. ا. ا. ک [۱] عبارتند از التزام به حضور با قول شرف؛ التزام به حضور با تعیین وجه التزام؛ اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله؛ اخذ وثیقه؛ بازداشت موقت. قرار بازداشت موقت مهمترین و شدیدترین اقدام تأمینی نسبت به آزادیهای فردی است که در مدت تحقیقات مقدماتی و گاه تا پایان رسیدگی به شرطی که کمتر از حداقل حبس باشد، ادامه می‌یابد و اقدامی مغایر با اصل برائت است (ماده ۳۴۴ د.ا.ک)، چرا که زندان جایگاه مجرمان محکومیت یافته است. از معایب این

قرار تأمین می‌توان به سلب آزادی فرد، ایراد ضرر و زیان مادی و معنوی به متهم، از دست دادن شغل و از هم گسیختگی خانواده وی اشاره نمود. در حقوق ایران بر اساس مواد ۱۳۰ ق.آ.د.ک و ۳۶ آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت در صورت تخلف بازپرس از این شرایط وی قابل تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه چهار به بالا خواهد بود. با توجه به اهمیت بازداشت موقت که نوعی سلب آزادی است، رعایت شرایطی الزامی است که باید در متن قوانین آیین دادرسی مورد تقنین قرار گیرد که از آن جمله موارد زیر بیان می‌گردد: در صدور قرار بازداشت موقت باید نظر موافق دادستان کسب گردد و در صورت اختلاف نظر بین دادستان و بازپرس، باید دادگاه صالح حل اختلاف نماید. قرار بازداشت متهم و حق اعتراض به آن باید به وی ابلاغ گردد و دفتر مخصوصی جهت ثبت مشخصات افراد بازداشت شده و تاریخ شروع بازداشت آنان باید در بازداشتگاه موجود باشد. این مدت باید در صورت محکومیت وی به زندان در رابطه با همان جرم در ایام محکومیت احتساب گردد. متهم حق دارد از قرار صادر شده شکایت کند و این حق باید در متن قرار تصریح گردد. هر زمان علت توقیف، زایل شود باید از توقیف رفع اثر گردد. متهم نیز حق دارد از مقام قضایی تقاضا کند تا در صورت رفع علت بازداشت، قرار آزادی او را صادر نماید.

اگر بازپرس قرار منع تعقیب صادر نماید یا دادگاه او را تبرئه کند، در ضمن همان قرار یا حکم قرار تأمین الغا می‌شود. اینکه متهم در بازداشت است، برای تسریع در دادرسی و حفظ حقوق وی باید در کیفرخواست دادستان قید گردد. بازداشتی، حق دارد از وسایل خواب، بهداشت، آموزش و پرورش و تربیت بدنی برخوردار باشد. فرایض دینی خود را انجام بدهد و از برنامه تفریحات سالم مورد تأیید مسئولان استفاده کند. از غذای زندان که طبق برنامه و به تناسب فصل تهیه می‌شود، بهره برد و چنانچه بیمار است با تجویز پزشک از غذای خاص بیماران استفاده کند؛ لباس مخصوص زندان را بپوشد که لباس متهم و محکوم با علامت خاص مشخص و متمایز است. در مورد نگهداری یا ارسال وجوه نقدی، لوازم شخصی او به افراد مورد نظر وی اقدام لازم به عمل آید و در حدود ضوابط در خواست انتقال نماید. زندانیان زن، می‌توانند اطفال خود را تا دو سال تمام همراه داشته باشند. اطفال دو تا پنج سال منفک و در مهد کودک نگهداری می‌گردند و یا به مؤسسات نگهداری اطفال سپرده می‌شوند. بازداشتی جز به درخواست خود و با موافقت دادستان ملزم به کار نیست. امروزه در بسیاری از کشورهای مترقی جهان توجه قانونگذاران به این امر معطوف شده است که علاوه بر در نظر گرفتن حقوق و منافع متهم زندان‌ها را از وجود متهمانی که منتظر فرا رسیدن زمان محاکمه خود هستند، حتی‌المقدور خالی کنند. برای این منظور از کنترل قضایی استفاده می‌نمایند که به معنای جایگزین ساختن امکانات و تأمینات متنوع دیگر به جای بازداشت می‌باشد. به کارگیری آنها در کشورهایی چون فرانسه، آلمان، بلژیک و ایتالیا معمول است (غفاری و عباسی کلیمانی، ۱۳۸۵: ۱۰۳-۱۰۵)

گفتار دوم: تعریف بازداشت موقت

قرار بازداشت، شدیدترین قرار تأمینی است که درباره متهمان اعمال می‌شود و موضوع آن سلب آزادی است. علما و استادان حقوق، بنابر ارزیابی و سلیقه خود، تعریفی از بازداشت ارائه داده اند که هر یک از این تعاریف می‌تواند راه گشا باشد. پروفیسور گارو می‌نویسد:

توقیف عبارت از این است که مقصر را در تمام مراحل استنطاق مقدماتی و یا یک قسمت از آن، در زندان حبس نمایند. همچنین ممکن است این بازداشت تا زمان تصمیم نهایی ادامه یابد «(گارو، ۱۳۸۰: ۲۹۵)». در تعریف دیگر، «بازداشت متهم عبارت است از سلب آزادی متهم و زندانی کردن او در قسمتی از تحقیقات مقدماتی توسط مقام قضایی صالح» (آشوری ۱۳۸۰: ۱۳۳) و نیز گفته شده است:

گفتار سوم: معایب و محاسن بازداشت موقت

محاسن یا مزایای بازداشت موقت:

- ۱ - بازداشت موقت بهترین و مطمئن ترین ابزار و سیاست کیفری است جهت دسترسی به متهم در طول مراحل دادرسی کیفری و اجرای حکم.
- ۲ - مانع فرار یا مخفی شدن متهم و یا ثباتی و مواضعه با شهود یا معاونان و یا شرکای جرم می‌شود.
- ۳ - از امحای آثار مدارک و دلائل بزه جلوگیری می‌نماید.

- ۴ - باعث پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط بزهکاران سابقه دار و حرفه ای می‌گردد.
- ۵ - وضعیت اقتصادی افراد در آن تاثیر نداشته و برخلاف قرارهای کفالت و یا وثیقه افراد متمکن نمیتوانند در قبال سپردن پول و یا اموال آزادی خود را تضمین نمایند.
- ۶ - اقدام تامینی و حفاظتی مناسب برای حفظ جان متهم در مقابل خشم مجنی علیه یا اطرافیان او در مورد جنایات نفرت انگیز محسوب می شود.
- ۷ - وسیله ای است برای تسکین آرامش و تسلی خاطر مجنی علیه و یا خانواده او و همچنین تسکین و خشنودی افکار و اذهان عمومی که بر اثر ارتکاب جرم خدشه دار گردیده است.
- در دفاع از نظریه ضرورت بازداشت موقت، گاروفالو توقیف متهم را به دلیل کمک به کشف حقیقت ضروری می داند و مارتین سن نیز بازداشت موقت را وسیله ای مطمئن برای جلوگیری از فرار متهم و امحای دلایل و مدارک جرم می داند دانشمندان دیگر مانند فوستن هلی، پروفسور بوزا، سواپه و ژان لارگیه نیز همین عقیده را دارند. فوستن هلی در دفاع از قرار توقیف متهم می گوید:
- دیگر بازپرسی معنی نخواهد داشت اگر متهم آزادانه بتواند دلایل و مدارک دعوی را از بین برده و یا با قاضی به ستیز و مبارزه برخیزد و در نتیجه با اعمال خود تحقیقات و اقدامات بازپرس را خنثی کرده و هر کس را که خود آماده کرده است به شهادت بطلبد.
- بازداشت موقت بدون تردید مطمئن ترین وسیله ای است در اختیار قضات کیفری برای جلوگیری از اینکه متهم در طول تحقیقات مقدماتی و حتی ادامه آن در تحقیقات نهائی و بالاخره در مرحله قطعیت حکم و اجرای مجازات نتواند با فرار یا مخفی کردن خود موجبات اختلال در رسیدگی به جرم و تأخیر یا عدم موفقیت در اجرای حکم کیفری را فراهم سازد. کشف و تعقیب جرم و جمع آوری دلایل، و حسب لزوم مواجهه متهم با گواهان و شرکاء و معاونان جرم، با این اقدام بهتر و آسان تر انجام می پذیرد. بازداشت موقت اقدامی است مؤثر در جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم خصوصاً توسط بزهکاران حرفه ای و وسیله ای است ضروری برای پیشگیری از اینکه متهم با آزادی و فراغت، آثار و دلایل جرم مثل اسناد و اوراق و آلات و ادوات مربوط به بزه ارتکابی را ضمن تبانی با شهود قضیه یا شرکاء و معاونان جرم - در صورتی که جرم به شرکت و معاونت وقوع یافته باشد - محو و نابود سازد. و سرانجام در مواردی که جرم ارتکابی از نوع جنایات هولناک و نفرت انگیز است و حفظ جان متهم در قبال انتقام خصوصی خانواده مجنی علیه و همچنین هیجان و خشم عمومی برای محاکمه و اجرای عدالت اهمیت دارد، قرار بازداشت موقت موجب سهولت در تحقق این مسأله ضروری خواهد شد (خزانی، ۱۳۷۷: ۱۱۲) و (جوانمرد، ۱۳۷۳: ۶۹).

معایب بازداشت موقت

- ۱ - بازداشت قبل از دادرسی موجب خسارت مادی و آسیب روحی متهم و خانواده او گردیده و موجبات بدبینی اطرافیان را نسبت به متهم فراهم می نماید.
- ۲ - در امر قضاوت اثر منفی داشته و احتمالاً باعث پیش داوری توسط قضات می‌گردد.
- ۳ - دادگاه ها ممکن است برای توجیه بازداشت متهم و خنثی کردن اثر اعتراض متهم از حربه محکومیت کیفری لااقل به میزان مدت بازداشت یا بیشتر از آن استفاده کنند به عبارت دیگر بازداشت موقت در سرنوشت محاکمه و نتیجه دادرسی موثر است.
- ۴ - اقدامی است شدید که به وسیله آن قاضی کیفری آزادی متهم را سلب مینماید.
- ۵ - امتیازات آزادی مشروط مرخصی، طبقه بندی زندانیان، تشکیل پرونده بالینی و شخصیت و غیره که مخصوص محکومان است شامل افراد تحت قرار بازداشت موقت نمیگردد.

۶ - بازداشت احتیاطی مغایر با اصل برائت و بی گناهی و تعلیق مراقبتی متهم بوده و از نظر جرم شناسی نیز اثر پیشگیری و بازدارندگی را از بین می برد. زیرا به موجب اصل برائت که در مقررات بین المللی و قوانین اساس اکثر کشورها پذیرفته شده سلب آزادی افراد قبل از محکومیت ممنوع است.

۷ - بی گناهی بودن فرد بازداشت شده اثر شدید روحی بر روی متهم داشته و موجب خشم او نسبت به اجرای عدالت و دستگاه قضایی کشور می گردد در همین رابطه آدولف پرنس یکی از بنیانگذاران مکتب دفاع اجتماعی اعتقاد دارد که صدور قرار بازداشت، قبل از اثبات مجرمیت متهم، سخت ترین مجازات که فلاکت و بی آبرویی مسلم متهم را در بر دارد، محسوب می شود.

۸ - باعث از دست دادن حرفه و شغل و لطمه شدید به موقعیت اجتماعی متهم میشود .

۹ - موجب تحمیل هزینه های گزاف به دولت جهت تاسیس و اداره زندان ها میگردد.

این تأمین که مهمترین و شدیدترین اقدام قاضی کیفری نسبت به آزادیهای فردی است که در مدت تحقیقات مقدماتی و گاهی تا پایان رسیدگی و صدور حکم در دادگاه ادامه می یابد . در واقع، اقدامی است مغایر با بی گناهی متهم یا اصل برائت؛ اصل و قاعده ای که مورد قبول کلیه نظامهای حقوقی پیشرفته واقع شده است.

به پیروی از این اصل که ماده ۳۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد : « هر گاه نسبت به متهمی که توقیف است حکم برائت یا تعلیق مجازات صادر گردد ، متهم فوری آزاد می شود هر چند که حکم مورد شکایت قرار گیرد». قرار بازداشت با اصل برائت سازگاری ندارد . زیرا متهم قبل از اثبات جرم و صدور حکم محکومیت از دادگاه زندانی می شود، در حالی که زندان اصولاً جایگاه افرادی است که ارتکاب بزه و مجرمیت آنها به موجب حکم قطعی دادگاه صلاحیت دار محرز شده است و باید کیفر قانونی را تحمل نمایند . این تأمین خصوصاً وقتی موجب نقض اصول و قواعد یاد شده در بالا می گردد که در نهایت میزان مجازات مقرر در حکم دادگاه کمتر از مدتی باشد که متهم قبلاً در بازداشت بسر برده است و یا وقتی که تعقیب کیفری به صدور حکم برائت منتهی گردد. در حالی که متهم مدتی به عنوان بازداشت موقت زندانی بوده است، که در هر صورت، مسلم می شود سلب آزادی او موجه نبوده و موجب ضرر و زیان مادی و معنوی کم و بیش خطیری شده است که جبران آن در تمام احوال به سهولت امکان پذیر نیست. از دست دادن حرفه و شغل و از هم گسیختگی خانواده متهم به علت بازداشت موقت او محتمل و گاه مقرون به یقین است. پر شدن زندانها از متهمان تحت قرار بازداشت موجب توسعه تأسیسات و افزایش پرسنل و سایر هزینه های مربوط خواهد شد که تأمین آن به عهده دولت است و در نتیجه جامعه از آن متضرر می گردد (خزانی، ۱۳۷۷: ۲۵) و (جوآنمرد، ۱۳۷۳: ۹۳-۹۵)

گفتار چهارم: شرایط صدور بازداشت موقت

از آنجا که صدور قرار بازداشت، آزادی اشخاص را قبل از صدور حکم سلب می کند، قانونگذاران راجع به قبل و بعد از صدور آن ، دقت نظرهایی فنی به کار برده اند. در بیشتر قوانین ، برای بازداشت شرایطی منظور شده که از آن جمله دو شرط قبل از صدور قرار بازداشت است :

(۱) بازداشت جز در مواردی که قانون احصا کرده، مجاز نیست . ازینرو با آنکه در بند ۵ ماده ۱۲۹ ق.آ.د.ک، ایران توقیف احتیاطی یکی از قرارهای تأمین ذکر شده ، صدور آن به حصول شرایط مذکور در ماده ۱۳۰ مکرر منوط شده است .

(۲) بازداشت باید مستدل و متناسب با جرم مورد اتهام باشد. هرچند صدور قرار بازداشت، اصولاً اختیاری و موکول به نظر قاضی است، علت بازداشت باید در آن ذکر شود و با اهمیت جرم مورد اتهام، دلایل اتهام و نیز وضع متهم متناسب باشد. عدم رعایت این ضوابط موجب تعقیب انتظامی و محکومیت قاضی خواهد بود. البته در مواردی، با توجه به اهمیت جرم یا سوابق بزهکار، تنها راه تأمین کیفری، از نظر قانونگذار، بازداشت است و در این صورت، قاضی رسیدگی کننده مکلف به صدور قرار بازداشت است . برای نمونه نسبت به اتهام سرقت ، کلاهبرداری ، جعل سند و استفاده از سند مجعول، در صورت وجود یک فقره سابقه محکومیت قطعی یا دو فقره و بیشتر سابقه محکومیت غیرقطعی، صدور قرار بازداشت الزامی است(ق.آ.د.ک.، ماده ۱۳۰ مکرر). ماده واحده قانون لغو مجازات شلاق در مورد اتهام جرح یا قتل با چاقو و آلات دیگر (مصوب ۱۳۴۴ ش)، ماده ۱۷

قانون راجع به اصلاح قانون منع کشت خشخاش (مصوب ۱۳۳۸ ش)، تبصره ۳ از بند ح ماده ۱۸ قانون مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی (مصوب ۱۳۳۴ ش)، تبصره ۴ ذیل ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری (مصوب ۱۳۶۴ درمجلس شورای اسلامی با تصویب نهایی در مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۱۳۶۷) همه از موارد الزام صدور قرار بازداشت است.

تمهیدات بعد از صدور قرار بازداشت نیز بدین قرار است:

(۱) علاوه بر قاضی رسیدگی کننده، مقام قضایی دیگری نیز نسبت به قرار بازداشت، اظهار نظر کند و با آن موافق باشد. در مواردی که بازپرس رأساً قرار بازداشت متهم را صادر کند، باید ظرف بیست و چهار ساعت، مفاد قرار را کتباً به دادستان اطلاع دهد. اگر دادستان با قرار موافق نباشد (یا دادستان تقاضای صدور قرار کند و بازپرس با آن موافق نباشد) دادگاه کیفری دو محل صدور قرار، به اختلاف رسیدگی می کند. اما اگر دادستان با قرار موافق باشد، متهم حق اعتراض نسبت به قرار را دارد (ق.آ.د.ک.، مواد ۳۸، ۱۷۱). در قانون کیفری مصر، مرجع ذیصلاح برای رسیدگی به اعتراض متهم نسبت به قرار بازداشت، دادستان کل است. قاضی محکمه نیز باید ظرف چهار روز، صدور قرار را تأیید کند (خزانی، ۱۳۷۷: ۱۳۲). در حقوق سوریه، بازپرس پس از آگاهی از رأی دادستان، قرار بازداشت متهم را صادر می کند و مرجع رسیدگی به اعتراض متهم یا دادستان، قاضی احاله است (ق.آ.د.ک.، سوریه، بند ۱، مواد ۱۰۶ و ۱۴۱).

(۲) بازداشت، محدودیت زمانی دارد. در قوانین ایران مدت توقیف متهم برای جرمهای از درجه جنحه، دو ماه و برای جرایم جنایی چهار ماه در نظر گرفته شده و مرجع صادر کننده قرار نیز مکلف به تجدیدنظر در قرار و فک یا تخفیف آن است، و در صورت وجود جهاتی برای ابقای قرار، قرار با ذکر دلایل ابقا می شود. البته این رأی نیز قابل اعتراض است و در محکمه رسیدگی می شود (رجوع کنید به ق.آ.د.ک.، ماده ۱۲۹). در بعضی از قوانین خاص، که قبلاً ذکر شد، مدت بازداشت به صورت قطعی تعیین شده است. در مصر، مدت قرار بازداشت برای جرایم جنحه ای سه ماه و برای جرایم جنایی شش ماه است. در حقوق سوریه، مدت بازداشت برای جرایم جنحه که مجازات آن کمتر از یک سال حبس و متهم نیز دارای اقامتگاه در سوریه است، پنج روز تعیین شده است. بعلاوه، بازپرس پس از صدور قرار بازداشت، می تواند قرار آزادی متهم را، به شرط تعهد به حضور در تمام مراحل تحقیق و اجرای حکم، صادر کند. اما اشخاصی که به علت ارتکاب جنایت یا حبس سابق محکومیت بیش از سه ماه داشته باشند، آزاد نخواهند شد؛ همچنانکه صدور قرار آزادی برای متهم متواری جایز نیست. دادگاه جنایی و دیوان کشور نیز اختیار دارند متهم بازداشت شده را، به شرط اخذ تأمین مالی، آزاد کنند (رجوع کنید به ق.آ.د.ک.، سوریه، ماده ۱۱۷ به بعد).

(۳) مقررات راجع به زندانیان تحت قرار بازداشت با زندانیان محکوم به حبس متفاوت است. برای آنان برنامه های رفاهی، تفریحی و ورزشی در نظر گرفته می شود؛ شبها در اتاقهای انفرادی استراحت می کنند تا از تأثیر نامناسب احتمالی برخی محکومان به دور باشند و نسبت به آنها برنامه های اصلاحی و تربیتی به عمل نمی آید (آیین نامه امور زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مصوب ۱۳۶۱ شورای عالی قضایی، ماده ۱۴ به بعد). تخلف قضات از ضوابط بازداشت موقت، موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه چهار به بالا خواهد بود (ق.آ.د.ک.، تبصره ماده ۱۳۰). بعلاوه، چنانچه قاضی مرتکب قصور یا تقصیر شود یا از قانون تفسیری نامناسب نماید یا در حکم یا موضوع دچار اشتباه شود، دولت یا خود قاضی، برحسب مورد، مکلف به جبران خسارت مادی و معنوی متهم خواهد بود (قانون اساسی، اصل ۱۷۱؛ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰، ماده ۵۸) (مسعود حائری، ۱۳۸۵: ۷۲).

گفتار پنجم: بازداشت موقت و حذف دادرها

یکی از مشکلاتی که به حذف دادرها انجامید این بود که بسیار اتفاق می افتاد شخصی به اتهام ارتکاب جرمی تحت تعقیب دادرها قرار می گرفت و با صدور قرار قانونی روانه زندان می شد چه بسا ماهها یا سالها در زندان تحت قرار میماند تا پرونده مراحل لازم را در دادرها سپری کند پس از اجرای آن مراحل و صدور قرار مجرمیت و کیفر خواست و ارسال پرونده به دادگاه

در نهایت متهم حکم برائت خود را از بزه انتسابی اخذ می کرد در این صورت معلوم نبود در مدت حبس، حقوق متهم را که من غیرحق سلب شده بود، چه کسی باید پاسخگو باشد و آیا اصولاً رای برای ترمیم زیانهای معنوی و مادی چنین متهمی وجود داشت؟

معتقدان به سیستم رسیدگی عام در دادگاهها می گفتند با حذف دادسرا و رسیدگی (من البدوالی الختم) توسط حاکم دادگاه این معضل نیز تا حد زیادی کاهش یافته و به حداقل ممکن می رسد، چون وقتی مقام انجام تحقیقات مقدماتی و صدور رای، مرجع و قاضی واحد باشد از همان اول تا ادله کافی بر تحقق بزه و اثبات انتساب آن به متهم در اختیار نداشته باشد، قرار تامین صادر نمی کند و اگر هم در بعضی شرایط به ناچار مبادرت به صدور قرار کرد بالفور تحقیقات را تکمیل و در نهایت چنانچه اتهام وی اثبات نشود. با صدور رای برائت متهم را از گرفتاری ناشی از اتهام منتسبه خلاص میکند و بدین ترتیب تالی فاسد مزبور که ناشی از وجود دادسرا بود مرتفع می شود. اما در خصوص این نقیصه (صدور حکم برائت به وسیله دادگاه برای متهمی که مدتها توسط دادسرا در بازداشت قرار گرفته است). باید گفت اگر چه این مشکل در سیستم قبلی (دادگاه های عام) تا اندازه زیادی برطرف شده بود و قاضی محکمه در صورتی که اعتقاد به مجرمیت متهم نداشت قرار منجر به بازداشت برای وی صادر نمی کرد و تنها در صورتیکه ادله ابزاری در مرحله تحقیقات مقدماتی انتساب اتهام به متهم را میرساند، قرار تامین مقتضی را صادر مینمود و چنانچه این قرار منجر به بازداشت متهم میشد دیگران نگرانی که در سیستم دادسرا بود وجود پیدا نمیکرد چرا که در نهایت با صدور حکم محکومیت ایام بازداشت قبلی به عنوان بخشی از مجازات محاسبه میشد. لکن این امر تالی فاسد بسیار مهمی داشت که منجر به صدور حکم محکومیت بیجا و ظالمانه در مورد متهم و در نتیجه تضییع حقوق وی میشد. توضیح اینکه در زمانیکه دادسرا وجود داشت باشد و متهم به لحاظ صدور قرار تامین توسط مقامات دادسرا در بازداشت قرار گیرد هر قدر هم که این بازداشت به لحاظ انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادسرا به طول انجامد چنانچه قاضی دادگاه متهم را بی گناه تشخیص میداد با صدور حکم برائت وی را آزاد می کرد. چون در قبال بازداشتی که متهم تحمل کرده است هیچگونه مسئولیتی متوجه خود نمی دید. اما وقتیکه دادسرا در کار نبود در فرضی که قرار تامین اولیه توسط قاضی محکمه صادر و منجر به بازداشت متهم شده بود اگر در مراحل بعد و پس از انجام تحقیقات مقتضی برای دادگاه بی گناهی متهم احراز شود. در اینجا قاضی دادگاه برای صدور حکم برائت دچار مشکل میشد، زیرا صدور حکم برائت متهم بدین معنا می بود که قرار تامین اولین که منجر به بازداشت متهم شده است بدون اتکا به دلایل صحیح بوده و بنابراین در صورت تبرئه شدن متهم، وی می توانست از قاضی محکمه به دادسرای انتظامی قضات به اتهام بازداشت غیر قانونی شکایت کند. در اینجا ممکن بود قاضی محکمه برای اینکه دچار این معضل نشود علیرغم میل باطنی اش بر خلاف مقتضای اصل برائت عمل و متهم را ولو صرفاً به اندازه مدتی که در بازداشت بوده محکوم کند و این چیزی نبود که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت زیرا صحت عمل قضات را مورد تردید قرار می دهد. البته این بدان معنا نیست که قضات الزاماً مرتکب این اشتباه میشدند و بعد برای گریز از تبعات آن گناه بزرگتری مرتکب میشدند و متهمی را که عقیده بر بیگناهییش پیدا کرده اند محکوم کنند، بلکه فقط بیم چنین احتمال و نگرانی وجود داشت و همین مقدار برای استدلال منتقدان دلسوز و اقتناع مسئولین عالی قضایی کافی بود که مجدداً متمایل به سیستم قبلی شوند و نتیجه آن شد که در سال ۸۱ مجدداً دادسراها احیا شد (بهروز جوانمرد، ۱۳۷۳: ۲۱۵-۲۱۱).

گفتار ششم: چگونگی بازداشت موقت

بازپرس به تشخیص خود یا با درخواست دادستان می تواند در تمام مراحل تحقیقات مقدماتی مطابق با مقررات قانونی قرار بازداشت موقت صادر کند. هنگامی که بازپرس رأساً قرار بازداشت موقت صادر کرده باشد موظف است ظرف بیست و چهار ساعت پرونده را برای اظهار نظر و جلب موافقت دادستان نزد او بفرستد.

اگر دادستان با قرار بازداشت متهم موافق نباشد بازپرس باید از نظر دادستان پیروی کند و اگر بازپرس رأساً قرار بازداشت موقت صادر کند متهم حق دارد ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ از این قرار به دادگاه عمومی یا انقلاب شکایت کند. همچنین اگر بازپرس و دادستان در صدور قرار بازداشت موقت موافق باشند متهم حق دارد از این قرار به دادگاه شکایت کند.

جرائمی که برای مرتکب آن قرار بازداشت موقت صادر می شود:

۱- قتل عمد ۲- آدم ربایی ۳- اسیدپاشی ۴- محاربه و افساد فی الارض ۵- در جرائمی که مجازات قانونی آن اعدام یا حبس ابد باشد. ۶- در جرائم سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء، خیانت در امانت، جعل و استفاده از سند مجعول در صورتی که متهم حداقل یک فقره سابقه محکومیت قطعی یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیر قطعی به علت ارتکاب هریک از جرائم مذکور داشته باشد ۷- در مواردی که آزادی متهم موجب فساد باشد ۸- در کلیه جرائمی که به موجب قوانین خاص مقرر شده است (مانند جرم مجروح کردن دیگری با چاقو ۹- جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور (مانند جاسوسی) توضیح: در تمامی موارد فوق هنگامی قرار بازداشت موقت صادر می شود که آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم می شود و یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا گواهان گردد و یا سبب شود که گواهان از بیان شهادت خودداری کنند و نیز هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم برود و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد.

قرار بازداشت موقت در دادسرا چه مدت طول می کشد؟

هرگاه در جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا صلب یا اعدام یا حبس ابد است و نیز جرائم مطبوعاتی و سیاسی (یعنی جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان) تا چهار ماه و در سایر جرائم تا دو ماه متهم در بازداشت به سر برد و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشده باشد، قرار بازداشت موقت فک یا تخفیف پیدا می کند مگر آنکه علت موجهی برای بقای بازداشت موقت وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علت قرار بازداشت موقت ابقا می شود و متهم حق دارد از این تصمیم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه شکایت کند.

چنانچه متهم مدتی در بازداشت به سر برد و نهایتاً محکوم شود آیا این مدت برای وی محاسبه می شود؟ اگر متهم گناهکار شناخته شود و قبل از صدور حکم قطعی بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی از مقدار حبس او کسر می شود. حتی اگر حکم دادگاه مبنی بر جزای نقدی باشد، مدت حبس به میزان جزای نقدی کسر می شود (هر ۱۵۰۰۰ تومان یک روز محاسبه می شود).

نکاتی که باید در قرار بازداشت موقت رعایت شود:

پاسخ: ۱- بازداشت موقت باید مستدل و موجه باشد. ۲- مستند قانونی و دلایل صدور آن در قرار آمده باشد. ۳- حق شکایت متهم در قرار ذکر شده و مرجع رسیدگی به شکایت از قرار آمده باشد.

پرسش: آیا در جرائم منافی عفت قرار بازداشت موقت صادر می شود؟

پاسخ: اولاً اگر جرائم مذکور مشمول مجازات حد زنا یا لواط باشد پرونده مستقیماً به دادگاه فرستاده می شود و در دادسرا تحقیقاتی صورت نمی گیرد تا قرار بازداشت موقت صادر شود ثانیاً در سایر جرائم منافی عفت چنانچه جنبه شخصی نداشته باشد در صورتی بازداشت متهم جایز است که آزاد بودن وی موجب فساد شود.

پرسش: آیا صرف چاقوکشی منجر به صدور قرار بازداشت موقت می شود؟

پاسخ: اگر چاقوکشی منجر به مجروح شدن طرف مقابل شود با وجود سایر شرایط صدور قرار بازداشت موقت الزامی می باشد البته ممکن است صرف چاقوکشی بدون آنکه دیگری را مجروح کرده باشد، منجر به بازداشت موقت شود برای مثال آزاد بودن متهم منجر به تبانی او با سایر متهمان شود یا موجب ترس گواهان از ادای شهادت شود.

پرسش: اگر بازداشت موقت از سوی دادگاه عمومی یا انقلاب صادر شود آیا متهم حق شکایت دارد؟

پاسخ: بله در این حالت متهم حق دارد از قرار مذکور به دادگاه تجدید نظر استان شکایت کند در صورتی که دادگاه تجدیدنظر اعتراض متهم را وارد تشخیص داد قرار را فسخ و پرونده برای صدور قرار تأمین متناسب دیگر مانند وثیقه، کفالت و ... به دادگاه صادر کننده قرار بازگردانده می شود.

پرسش: اگر متهم پس از رسیدگی قضایی تبرئه شد آیا می تواند خسارت ناشی از بازداشت موقت را مطالبه کند؟

پاسخ: اولاً به موجب قانون حکم برائت متهم با درخواست و هزینه خودش در روزنامه های کثیرالانتشار چاپ می شود. ثانیاً اگر در اثر اشتباه قاضی ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر، مقصر ضامن است و اگر

تقصیری در کار نباشد و در اثر اشتباه ضرر مادی وارد شود دولت باید جبران کند و در مورد ضرر معنوی اگر تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد نسبت به اعاده حیثیت او اقدام می شود. (میر شفیعی، ۱۳۸۵: ۷۸-۷۳).

نتیجه گیری :

۱- قرار بازداشت موقت متهم در جریان رسیدگی های کیفری مهم ترین و شدید ترین تامین کیفری است که اعمال آن تحت ضوابط و مقررات خاصی از سوی قانونگذار مشخص شده است، لکن استفاده بی رویه از این تامین علیه آسایش و آزادیهای فردی زبان بخشی خواهد بود که در واقع مل به اهداف قانونگذاری را غیر ممکن می سازد پیش بینی یک قانون منضبط در جهت رعایت حقوق دفاعی متهم از نشانه های یک قانونگذاری موفق خواهد بود. هیچ یک از سیستم های حقوقی فعلی نمی تواند به طور کلی خود را از بازداشت موقت بی نیاز بداند. بنابراین اعمال فراوان این نوع تامین خصوصا در مرحله تحقیقات مقدماتی و نیز نامتناسب بودن آن با اهمیت بزه ارتكابی در جرائم مهم صدور این نوع قرار قابل توجه می باشد. قانونگذار کشور ما علیرغم اهمیت و سیانت خاص بازداشت موقت در تدوین مقررات آیین دادرسی کیفری روندی افراطی در پیش گرفته و در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ موارد بازداشت موقت خصوصا بازداشت موقت اجباری افزایش یافته و بعضا مدت آن نیز افزایش یافته است.

توسعه جرائم مشمول بازداشت موقت اجباری و اختیاری در قانون استفاده از عبارات کلی و مبهم در موارد قانونی مانند (بیم فرار) و (فساد) و کاهش موارد القاء قرار و غیره موجب افزایش بازداشت موقت شده است.

بنابراین می توان گفت از آنجا که مطابق نظام دادرسی و اسناد بین المللی حقوق بشری بازداشت موقت متهمین مخاطره آمیز است و ابهام و تعارض و تامین قاعده بازداشت موقت همانطور که از مفاد آیین نامه دادرسی ایران بر می آید موجب صدور قرار بازداشت بی رویه خواهد بود و با این قسمت از بند ۳ ماده ۹ میثاق مدنی و سیاسی که مقرر می دارد بازداشت پیش از محاکمه نباید قاعده کلی باشد تعارض دارد. زیرا در قانون آیین دادرسی کیفری آنقدر دست قضا در صدور قرار بازداشت باز شده است که صدور قرار بازداشت موقت قاعده کلی و عدم صدور قرار بازداشت استثنا به حساب می آید.

۲- در کشور ما از زمان حاکمیت قانون آیین دادرسی کشوری سابق تا به امروز بازداشت موقت به عنوان یک تدبیر تامینی پیش بینی شده است، ولی موارد آن در ماده ۳۴ و ۳۵ آیین دادرسی کیفری محدود به مواردی است که فرد متهم به ارتکاب جرایمی بسیار مهم مانند قتل و اسید پاشی که مجازاتهای مهم نیز دارند شده باشد یا کلاهبرداریهای با سابقه که برای آنها نیز قرار بازداشت اجباری یا اختیاری پیش بینی شده است. صدور این قرارها طبق ماده ۱۳۲ آیین دادرسی کیفری منوط و مشروط به این است که بیم فرار متهم یا از بین بردن دلایل، عدم دسترسی به متهم، تبانی با شهود وجود داشته باشد. در ضمن زمانی که بتوان متهم را با سایر قرارهای تامین موظف به حضور در مواقع مقتضی کرد، نیازی به صدور قرار تامین کیفری سنگین مانند بازداشت موقت وجود ندارد. نظر به ارتباط قرار بازداشت با ماهیت جرایم و مجازات مترتب بر آن، برای جرایم جنایی مانند قتل هر چهار ماه یکبار و جرایم جُنحه ای هر دو ماه یکبار قرارها بایستی مجددا و مستند به دلایل صادر شود. در ضمن هر یک ماه یکبار متهم می تواند تقاضای رفع بازداشت کند. گذشته از این موارد مکانیسم های دیگری پیش بینی شده است که براساس آن فرد می تواند به قرار بازداشت ظرف مدت ده روز از تاریخ صدور قرار بازداشت به دادگاه کیفری عمومی اعتراض کند. ضمن آنکه طبق بند «ن»، ماده ۳ قانون احیای دادرسی مصوب سال ۱۳۸۱ تمام قرارها از جمله قرار بازداشت موقت بایستی با موافقت دادستان صورت گرفته و بعد از موافقت دادستان می تواند مورد اعتراض قرار گیرد. مقنن در ماده ۵۷۴ به بعد قانون مجازات اسلامی پیش بینی کرده است در مواردی که قرار بازداشت مجرمیت بر خلاف قانون صادر شده باشد، امکان رسیدگی کیفری پرونده و حتی تعقیب انتظامی و مدنی کسی که بدون دلیل مبادرت به توقیف افراد کرده است، نیز وجود دارد. حداکثر مدت قرار بازداشت موقت نباید بیشتر از حداقل مجازات قانونی جرم مورد انتصاب بالاتر برود.

۳- بنظر میرسد از زمان احیاء دادرسی با توجه به اینکه قضات دادرسی تجربه و کفایت قضات دادگاه ها را ندارند، بازداشت موقت به عنوان اهرمی علیه متهم استفاده میگردد. در جرایمی که متهم آن دارای شخصیتی است که امکان فرار وی نیست و

وضعیت اجتماعی وی بگونه ای است که همیشه در دسترس است نیازی به صدور قرار بازداشت موقت نیست. قضات دادسرا باید سعی کنند در مورد متهمینی که دارای اعتبار اجتماعی هستند یا سابقه کیفری ندارند یا جرم اقتضای بازداشت موقت ندارد دست به صدور قرار بازداشت موقت نزنند. اصولاً برای کسانی که سابقه کیفری ندارند حتی یک ساعت زندان اثرات سوء دارد. در بخشنامه ای از ریاست قوه قضاییه تاکید شده که در جرائم کم اهمیت و یا جرائم مطبوعاتی و مخصوصاً جرائم مربوط به چک، قرار بازداشت موقت نباید صادر گردد و قرار دیگری متناسب با شخصیت مجرم باید صادر گردد. قضات باید دقت کنند که با اعتبار و موقعیت افراد بازی نکنند. ضروری است که بازپرسان و قضات محترم در این امر دقت کافی را مبذول نموده، در کاهش جمعیت کیفری زندان ها، گام مؤثری بردارند. توجه به وضعیت متهم بویژه سن و سال و سابقه کیفری و شخصیت اجتماعی وی در این زمینه میتواند عامل مؤثری در تصمیم گیری آنها و تبدیل قرار بازداشت موقت به قرار های مناسب دیگر همچون اخذ وثیقه یا اخذ کفیل باشد. متأسفانه دیدگاهی در برخی از قضات وجود دارد که رفتن به زندان با قرار بازداشت موقت را خصوصاً برای افراد بدون سابقه تنبیهی مناسب دانسته و بر این باورند که با دیدن زندان و محیط آن و به اصطلاح عوام «آب خنک خوردن» متهم از ارتکاب جرم پشیمان و نادم میشود و دیگر به این سوی روی نمی آورد، غافل از اینکه محیط زندان، تأثیرات نامناسب خود را سریعاً به شخص منتقل کرده و با وجود شیاطین بسیاری که در زندان ها وجود دارند و استاد هر گونه فریفتن تازه واردین هستند، تأثیر این بازدارندگی به حداقل میرسد.

باید توجه داشت که تضمین آزادیهای فردی و اجتماعی از مشخصه های قضاوت عادلانه و از صفات بارز حکومت اسلامی است. با امید آنکه قضات محترمی که بر کرسی قضاوت علی (ع) جلوس نموده اند، در حفظ آزادی اجرای عدالت و رعایت حرمت و احترام به ارزش والای انسانیت بذل عنایت کافی داشته باشند (جوانمرد، ۱۳۷۳: ۲۳۲).

۴- بازداشت موقت، بدون تردید یکی از وسایل ضروری و مهم در رسیدگی به امر کیفری است و هیچ یک از سیستمهای فعلی نمی تواند خود را به کلی از آن بی نیاز بداند. معهداً مسأله ای که در این زمینه فکر دانشمندان حقوق کیفری را به خود مشغول ساخته است، اعمال فراوان این نوع تأمین، خصوصاً در مرحله تحقیقات مقدماتی، و نیز نامتناسب بودن آن با اهمیت بزه ارتكابی است. اصولاً در جرایم مهم و همچنین در مواردی که احتمال محو آثار جرم توسط متهم یا فرار او می رود و یا کیفیت جرم ارتكابی نشانه خطرناک بودن شخصیت بزهکار است، صدور قرار بازداشت قابل توجیه است، اما متأسفانه گاهی بازداشت متهم به منظور تنبیه و تنبیه او، خواه در جهت منافع جامعه، وقتی جرم باعث جریحه دار شدن احساسات و وجدان عمومی شده یا به منظور ایجاد فشار روانی برای تسکین خاطر و یا حصول رضایت زیان دیده، مورد استفاده واقع می شود؛ در حالی که این قبیل بازداشتها با اهداف و اصول نظام کیفری انطباق ندارد و بطور قطع از موارد نقض مسلم آزادیهای فردی و حقوق دفاعی متهم تلقی می شود. عامل دیگری که در استفاده بی رویه از این نوع تأمین و یا نامتناسب بودن آن می تواند مؤثر باشد، تراکم شدید پرونده ها در مراجع کیفری است که معلول افزایش جرایم است و در این شرایط، قاضی کیفری مجال کافی برای مذاقّه در موضوع جرم و سنجش لازم در تشخیص و تعیین تأمین متناسب را ندارد، و از آنجائی که آیین دادرسی کیفری همزمان با تحوّل قوانین ماهوی می باید تغییر یافته و اصلاح گردد، قرار بازداشت متهم که از قواعد مهم آن به شمار می رود، با ضوابط و معیارهای قدیمی قابل اعمال نیست و بطور قطع به رفرم و اصلاحات اساسی نیازمند است (منوچهر خزانی، ۱۳۷۷: ۲۶۴).

۵- قانون آیین دادرسی کیفری در مقررات مربوط به بازداشت موقت همانند سایر قوانین هم مزایایی دارد و هم معایبی.

مزایای این قانون عبارت است از :

۱- قابل اعتراض بودن قرار بازداشت موقت پیش از اجرای این قانون و اصلاحات بعدی آن، قرار بازداشت موقت قطعی تلقی می شد.

۲- صدور قرار بازداشت موقت از سوی بازپرس منوط به ملاحظه و موافقت دادستان است. پس در این مورد خاص علاوه بر نظر باز پرس با صدور قرار بازداشت، توافق قاضی دیگری نیز شرط است که این موارد نیز به منظور حمایت از متهم و حفظ ارزشهای انسانی وی است.

از معایب قانون مزبور نیز می توان به موارد زیر اشاره کرد :

- ۱- افزایش موارد صدور قرار بازداشت موقت اعم از اختیاری و اجباری: به طور مثال بند (د) ماده ۳۵ بیان داشته است: «در مواردی که آزادی متهم موجب فساد باشد...» که در این چارچوب حدود و ثغور دقیقی برای فساد وجود ندارد و دست قاضی در تفسیر آن باز است یا در موارد اختیاری صدور قرار بازداشت موقت در بند (ج) ماده ۳۲ جرایم فصل نخست از کتاب پنجم قانون مجزات اسلامی را آورده است که پیش از این از موارد بازداشت موقت نبوده است. در نتیجه دامنه قرار بازداشت را افزایش داده است.
 - ۲- تناقض موجود میان برخی موارد صدور قرار بازداشت موقت: به عنوان مثال جرایمی که مجازات آن اعدام است، هم جزو موارد اجباری بازداشت است و هم جزو موارد اختیاری.
- بند (ج) ماده ۳۲ نیز می گوید: «... جرایم موضوع فصل نخست کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی» ماده ۵۰۹ قانون مجازات اسلامی که در فصل نخست کتاب پنجم آورده شده، بیان می دارد: «هر کس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود، به مجازات اشد همان جرم محکوم می گردد». منظور از مجازات اشد، حداکثر مجازت مقرر شده نیست؛ بلکه به منظور مقررات مربوط به عناوین جزایی که در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ و در فصل دوم تحت عنوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی آورده شده، می باشد. در این فصل از قانون جرایم نیروهای مسلح مرتکب در پاره ای از موارد از جمله مواد ۸، ۹، ۱۱، ۱۲ و محارب شناخته شده است. حال آن که در چنین مواردی (محاربه) بر اساس بند(الف) ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مورد از موارد اجباری صدور قرار بازداشت است و با این وصف در ماده ۳۲ این مورد را از موارد اختیاری نیز شناخته است.
- در پایان باید گفت که اصولی در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره بازداشت موقت مورد پذیرش قرار گرفته که به شرح زیر است: الف) بر اساس بند ۳ ماده ۹ میثاق بازداشت اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قاعده کلی باشد. ب) بند ۴ ماده ۹ میثاق بیان داشته که فرد بازداشت شده باید نسبت به آن حق اعتراض داشته باشد. ج) دادگاه بدون تأخیر باید درباره قانونی بودن بازداشت موقت تصمیم بگیرد و در صورت غیر قانونی بودن، حکم به آزادی شخص بدهد (بند ۴ ماده ۹ میثاق).
- د) برابر بند یک ماده ۱۰ میثاق باید با افراد بازداشت شده به دلیل حیثیت ذاتی آنها به گونه ای انسانی و با احترام رفتار شود.
- ه) متهمان جزو در موارد استثنایی از محکومان جدا نگهداری خواهند شد و تابع نظام جداگانه ای متناسب با وضع اشخاص غیر محکوم خواهند بود (بخش الف بند ۲ ماده ۱۰ میثاق).
- و) هر کس به طور غیر قانونی بازداشت شود حق جبران خسارات را دارد (بند ۵ ماده ۹ میثاق). قانونگذار جدید در مواردی بخصوص در بندهای (الف) (ب) و تا حدودی در بند (ج) سعی در تأمین اصول یاد شده میثاق دارد؛ البته در سایر قوانین نیز تا حدودی از این اصول تبعیت کرده است.
- به هر حال امید است با اصلاحات و وضع مقررات دیگر اصول میثاق و قوانین اسلامی و شرعی که در حمایت از شرافت و حیثیت ذاتی انسان و ارج نهادن به وی می باشد، بهتر و بیشتر رعایت شود (مسعود لعلی سراب، قرار بازداشت موقت).
- ۶- به عقیده برخی حقوق دانان تعدادی از زندانیان مدت زیادی است که در انتظار صدور حکم و رسیدگی به پرونده هستند که این انتظار گاهی به چهار سال هم کشیده شده بود و در این مدت این افراد در بازداشت موقت به سر می بردند. این در حالی است که به اعتقاد حقوقدانان، بازداشت موقت یک اقدام امنیتی است که در موارد استثنا صادر می شود و مدت آن نباید بیشتر از میزان مجازات احتمالی جرم ارتكابی باشد. بازداشت موقت، امروزه در اکثر کشورهای جهان یک اقدام تامینی استثنایی است؛ یعنی جز در موارد خاص نمی توان اشخاص را که متهم به ارتكاب جرم هستند، مورد توقیف احتیاطی قرار داد. اکثر اسناد بین المللی از جمله کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی و سایر استانداردهای بین المللی بازداشت موقت را به عنوان آخرین راه حل در خصوص مجرمین خطرناک پیشنهاد می کند. به دلیل اثرات منفی که بازداشت موقت در شخصیت حرفه ای و حیثیت

خانوادگی و اجتماعی فرد می‌گذارد، امکان استفاده از آن را به حداقل موارد محدود کرده‌اند. قرار بازداشت موقت عمدتاً برای جرایم جنایی درجه یک مانند قتل، تجاوز به عنف و جرایم سازمان یافته از جمله قاچاق مواد مخدر و انسان، آن هم برای مرتکبین رده بالا در نظر گرفته می‌شود. اصولاً امروز به جای قرارهای کیفری کلاسیک و سنتی مانند بازداشت و وثیقه، قرارهای کنترل قضایی که بیشتر جنبه بازدارنده دارد مانند کار در مؤسسات کار عام المنفعه، جلوگیری از خروج از حوزه قضایی و... استفاده می‌شود.

۷- وقتی امکان دسترسی به متهم وجود دارد صدور قرار تامین فاقد توجیهات قضایی است؛ زیرا هدف از قرار تامین کیفری از جمله قرار بازداشت یا وثیقه، دسترسی به متهم و حضور او در موارد ضروری برای دادرسی و اجرای احکام است. استفاده افراطی از اینگونه قرارها دارای اثرات منفی عاطفی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی است: استفاده افراطی از قرارها به‌ویژه از قرار بازداشت موقت غیرمنطبق با روح مصرح در قوانین کیفری است؛ چراکه اگر در جرایم کوچک مبادرت به صدور قرار بازداشت کنیم و سپس متهم پرونده تبرئه شود یا مجازات جرم بسیار خفیف و ناچیز باشد در آن صورت امکان جبران خسارات وارده بر فرد و جامعه غیرممکن خواهد بود. متأسفانه یک رویه غلط در برخی از محاکم قضایی رواج دارد که برای متهم به‌جای قرار بازداشت موقت، قرار وثیقه و کفالت صادر می‌کنند ولی از قبول آن سرباز می‌زنند و عملاً فرد، زمانی را در بازداشت موقت به سر می‌برد. این هم خلاف حقوق شهروندی و هم خلاف اسناد بین‌المللی حقوق بشر، قانون آیین دادرسی کیفری و قانون اساسی است

فهرست منابع

۱. آخوندی، محمود (۱۳۷۷): الزامات قانونی استفاده از بازداشت موقت، تهران، انتشارات کویر.
۲. آخوندی، محمود (۱۳۷۶): بازداشت موقت در سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران و انطباق آن با موازین حقوق بین الملل بشر تهران، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۲۱.
۳. حائری، مسعود (۱۳۸۵): بازداشت موقت، تهران: شیرازه.
۴. علیزاده طباطبایی، سید محمود (۱۳۸۲): "ضوابط «بازداشت موقت»"، روزنامه شرق، شماره ۱۶۸۲، تاریخ ۹۱/۱۲/۰۸ ص ۲.
۵. جوانمرد، بهروز (۱۳۷۳): بازداشت موقت در آیین دادرسی کیفری ایران؛ چالشها و رهیافتها، چاپ اول، بهار، تهران.
۶. - قراچورلو، رزا (۱۳۸۳): "حق آزادی و امنیت شخصی و بررسی شرایط بازداشت موقت طبق ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر"، ماهنامه وکالت، شماره ۲۱ - ۲۲.
۷. - قراچورلو، رزا (۱۳۸۳): "حق آزادی و امنیت شخصی و بررسی شرایط بازداشت موقت طبق ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر"، ماهنامه وکالت، مجله کانون وکلا، شماره ۱۸۵ - ۱۸۴.
۸. - نوری، رضا (۱۳۸۹): "بازداشت موقت در قانون آیین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب"، مجله دادرسی، شماره ۲۳.
۹. میر شفیع، سید محمد (۱۳۸۱): بازداشت موقت در دادسرا چگونه است، تهران، انتشارات نقش و نگار.
۱۰. خزانی، منوچهر (۱۳۷۷): بحثی پیرامون توقیف احتیاطی یا قرار بازداشت متهم و آثار آن، تهران، بهار.
۱۱. بهمن یار، خسرو (۱۳۶۸): قرار بازداشت موقت، تهران، انتشارات مجد.
۱۲. شریفی، محسن (۱۳۸۱): ژرف نگری پیرامون مکانیسمهای تضمین کننده حقوق و آزادیهای متهم در حقوق ایران، تهران، نشریه حقوق.
۱۳. لعلی سراب، مسعود (۱۳۷۷): قرار بازداشت موقت، تهران، ندای صادق.

۱۴. غفاری، هدا- عباسی کلیمانی، عاطفه (۱۳۸۵): "حقوق متهم در نظام حقوقی ایران با رویکردی بر اسناد فراملی"، ندای صادق، شماره ۴۳.
۱۵. خان زاده، حمید (۱۳۸۲): تحولات تقنینی قرارهای تامین از متهم در حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات سمت.
۱۶. احمد پور، ابراهیم (۱۳۶۷): قرار بازداشت موقت در حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات آن.
۱۷. عمرانی، سلمان (۱۳۹۰): "بازداشت موقت و حقوق شهروندی در اروپا"، نشریه حقوق کانون، شماره ۴۰.
۱۸. پوررجب قاضی محله، فاطمه (۱۳۹۰): "بازداشت موقت در حقوق کیفری ایران و انگلستان، راه وکالت"، نشریه حقوق، شماره ۵۶، صص ۱۶۹-۱۸۵.
۱۹. الهی منش، محمدرضا (۱۳۹۲): قرار بازداشت موقت و جایگزین های آن در حق ایران و فرانسه، تهران، انتشارات مجد.
۲۰. حمیدیان، حسن (۱۳۸۱): "وارسی جایگزینهای مجازات زندان"، نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۳۸، صص ۶۸-۲۵.
۲۱. کاظمی، پروین (۱۳۸۶): "بررسی تطبیقی مجازات های جایگزین در کشورهای جهان"، نشریه اصلاح و تربیت شماره ۷۱، صص ۳۱-۳۵.
۲۲. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱): "درسهایی از تجربه انگلستان و آمریکا در زمینه جایگزینهای زندان"، نشریه حقوق کانون، شماره ۳۴، مرداد، صص ۱۱۴-۱۰۵.
۲۳. پورسید، بهزاد (۱۳۷۹): "بازداشت موقت در تعارض با حقوق و آزادی اساسی مردم"، نویسنده: پورسید، بهزاد، نشریه علوم اجتماعی دانش انتظامی، شماره ۵، صص ۶۷-۵۴.
۲۴. یزدانیان، محمد رضا (۱۳۸۱): نقد و نظر، نامه و خبر، حال و اثر: ضوابط و قواعد خاص حاکم بر بازداشت موقت، تهران، انتشارات صبح صادق.
۲۵. جوانفر، عباس (۱۳۸۴): "حبس زدایی ضرورتی ناگزیر"، نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۴۷، صص ۴۷-۴۵.
۲۶. میلکی، ایوب (۱۳۸۵): حقوق جزای جدید حبس زدایی خردگرا؛ خروج از بحران تورم کیفری (۲)، نویسنده: میلکی، ایوب، نشریه حقوق دادگستری، شماره ۵۴، صص ۲۴-۱۸.

-Brown. W.J (۱۹۹۸), Gcse Law ,Sweet & Maxwell Publication, London.

-Parry. J, (2000) "The Law Commission Bail and the HumanRights Act", Law Commission Conquest House, London.

-<http://www.vekalatonline>

-<http://www.hoghoonline.com>.